



232

A

نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:

صبح جمعه  
۹۳/۱۲/۱۵  
دفترچه شماره ۱ از ۲



اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.  
امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان سنجش آموزش کشور

## آزمون ورودی دوره‌های دکتری (نیمه متمرکز) داخل - سال ۱۳۹۴

### زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۸۰۱)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی (کلیات ادبی (تاریخ ادبیات - دستور - عروض و قافیه - نقد و نظریه‌های ادبی معاصر) ، متون نظم و نثر ، زبان عربی - متون نظم ، متون نثر ، بلاغت	۱۰۰	۱	۱۰۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

اسفند ماه - سال ۱۳۹۳

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

■ ■ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب (۱ - ۹)

- ۱- ﴿ يا أيها الذين آمنوا عليكم أنفسكم، لا يضركم من ضلّ إذا اهتديتم ﴾:
- (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ از خود مواظبت کنید، و مگذارید کسی که راه ضلالت را پیموده است به شما آسیب برساند!
- (۲) ای کسانی که گرویده‌اند؛ بر شماست جانهای خودتان، زیرا آنکه در گمراهی است نمی‌تواند ضرری به شما بزند، او را هدایت کنید!
- (۳) ای آنانکه ایمان آورده‌اند؛ مواظب نفسهای خود باشید، چه هرگاه هدایت شوید آنکه گمراه شده به شما آسیبی نمی‌رساند!
- (۴) ای آنانکه گرویده‌اید؛ نفس خویش را داشته باشید، و آسیبی به شما نخواهد رساند کسی که راه ضلالت می‌پیماید چنانچه به راه راست باشید!
- ۲- « إذا أمعنا النظر في شرائح الأمة نجد في صفوفها الشاعر المبدع و القاصّ المتميز و الباحث الحصيف و المفكر الدقيق! »:
- (۱) هرگاه در طبقات ملت دقت کنیم در صفوف آنها شاعر نوآور و داستانسرای برجسته و محقق آزموده و متفکر تیزبین می‌یابیم!
- (۲) چنانچه در قشرهای مختلف مردم نظر بیفکنیم در میان آنان شاعر نوپرداز و قصه‌گوی ممتاز و جستجوگر دقیق و اندیشمند با دقت، بسیار می‌بینیم!
- (۳) اگر در رده‌های امت امعان نظر کنیم در بین آنها بسیاری از شاعران توانا و داستانسرایان خوش قریحه و پژوهشگران عمیق و مفکران دقیق می‌یابیم!
- (۴) وقتی در سطوح مختلف ملت دقیق شویم در بین آنها تعدادی از شعرای خوش ذوق و قصه‌نویسهای ماهر و پژوهشگرهای دقیق و اندیشمندان تیزبین می‌بینیم!
- ۳- « نحن المسلمين نلجأ إلى تراثنا الثقافي الأدبي مستمدين منه مثلنا العليا و قيمنا الأخلاقية و الشعرية! »:
- (۱) ما مسلمانان به میراث فرهنگی و ادبی خود ملتجی می‌شویم و فضایل عالی و ارزشهای اخلاقی و شعری خود را از آن کسب می‌کنیم!
- (۲) ما مسلمان هستیم و به میراث ادبی فرهنگ خویش پناهنده می‌شویم و فضایل اخلاقی اشعار را از آنها اکتساب می‌نماییم!
- (۳) ما مسلمین به گذشته فرهنگی و ادبی خویش ملتجی می‌شویم و نمونه‌های والا و فضایل اخلاقی و شعری را از آنها می‌ستانیم!
- (۴) ما مسلمان هستیم و به سابقه ادبی خود پناه می‌بریم و مثالهای عالی و ارزشهای اخلاقی اشعار خود را از آن می‌گیریم!
- ۴- « فإذا سخوت بلغت بالجود المدى و فعلت ما لا تفعل الأنواع! »:
- (۱) چنانچه سخاوت کنی آن را به نهایت می‌رسانی، و کاری می‌کنی که بارانها آنچنان نکنند!
- (۲) هر زمان عطا کنی آن سزاوار تو است، و از سیل نعمتهای تو دیگران را بهره‌های فراوان رسد!
- (۳) هرگاه سخاوتمند شوی، به اندازه‌ای سخاوت می‌کنی که در طول روزگار دیگری بدان مقدار نرسد!
- (۴) اگر جود و بخشش کنی به اندازه‌ای آن را انجام می‌دهی که بارانهای سیل آسا چون آن نمی‌کنند!

- ۵- « لَدَعْتَنِي دَمْعَةً تَلْمَحُ خَدَيَّ نَبَّهْتَنِي مِنْ ضَلَالٍ لَيْسَ يُجَدِي »:
- (۱) اشکی مرا آزد و چون آتشی مرا سوزاند و توییخ کرد ولی سودمند نیفتاد!
- (۲) قطره اشکی مرا سوزاند و گونه‌هایم را تر کرد و از ضلالت ناسودمند نجاتم داد!
- (۳) اشکی که گونه‌ام را سوزاند لذتبخش بود و مرا از گمراهی بیهوده بیدار ساخت!
- (۴) قطره اشکی که گونه‌ام را می‌سوزاند مرا آزد و از گمراهی بی‌فایده بیدارم ساخت!
- ۶- « رَزَقْتَ أَسْمَحَ مَا فِي النَّاسِ مِنْ خُلُقٍ إِذَا رَزَقْتَ التَّمَّاسَ الْعُذْرَ فِي الشِّيمِ »:
- (۱) إذا عذرت غيرك فقد فزت بأفضل خلق!
- (۲) لا تتال التماس العذر لغيرك إلا بعد خلق سمح!
- (۳) من رزق التماس العذر لغيره فقد عاملهم بالسماحة!
- (۴) لا تتال بين الناس سماحة الأخلاق إلا بعد التماس العذر لهم!
- ۷- « ولو كانت الأرزاق تجري على الحجا هلكن إذن من جهلن البهائم! »:
- (۱) کم بخور همیشه بخور!
- (۲) هان که کار از محکم کاری عیب نمی‌کند!
- (۳) هر آنکس که دندان دهد نان دهد!
- (۴) گاوان و خران بار بردار، به زادمیان مردم آزار!
- ۸- « او خدمت بزرگی به زبان و ادبیات فارسی کرده است، زیرا در زدودن آن‌دو از آلودگیها سهم بسزایی داشت! »:
- (۱) إنه قدّم خدمة جلی للغة و أدب الفارسیّة، حيث إنه شارك كثيراً في محو ما يلوّثهما!
- (۲) إنه أسدى خدمة جلیلة للغة الفارسیّة و آدابها، لأنه أسهم كثيراً في تنقيتهما ممّا يشوبهما!
- (۳) هو قام بخدمة كبيرة للغة و أدب الفارسیّ، بسبب إسهامه العظيم في تنقية الشائبات عنهما!
- (۴) هو أبدى خدمة عظيمة للغة الفارسیّة و الأدب الفارسیّ، بما أنه جاهد شديداً في إحصاء التلوّث عنهما!
- ۹- « او در اشعارش سرگردانی و غربتی را که روستائیهای ساده دل و فقیر در شهرهای بزرگ احساس می‌کنند بیان کرده است! »:
- (۱) هو قد أشار في أشعاره إلى إحساس الحيرة و التغرّب الذي يعانيه أهالي القرية السّذج و المساكين في مدينة كبيرة!
- (۲) هو في أشعاره أظهر شعور التيه و الاغتراب الذي يختلج منه أهالي القرى البسطاء و الفقراء في مدن كبيرة!
- (۳) إنه قد أعرّب في أشعاره عن شعور الضّياع و الغربة الذي يخالج القرويين البسطاء و الفقراء في المدن الكبيرة!
- (۴) إنه في أشعاره أفاد عن إحساس الحيران و الغريب الذي يواجهه القرويون السّذج و المساكين في المدن الكبيرة!

## ■ ■ عین الخطأ في التشكيل ( ١٠ - ١١ )

- ١٠ - « لسان الفتى نصف و نصف فؤاده فلم يبق إلا صورة اللحم و الدّم! »:
- (١) الفتى - فؤاده - يبق - صورة  
(٢) لسان - الفتى - نصف - يبق  
(٣) فؤاده - يبق - صورة - اللحم  
(٤) نصف - فؤاده - صورة - الدّم
- ١١ - عین الخطأ:

- (١) هذا ما أمر به عبدالله علي أمير المؤمنين مالك بن الحارث الأشتر،  
(٢) في عهده إليه حين ولأه مصر، جباية خراجها و جهاد عدوها،  
(٣) أمره بنقوى الله و إثار طاعته و اتباع ما أمر به في كتابه ...،  
(٤) فإنه جل اسمه قد تكفل بنصر من نصره و إعزاز من أعزّه!

## ■ ■ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي ( ١٢ - ١٥ )

- ١٢ - ﴿ أفرايت إن متعناهم سنين، ثم جاءهم ما كانوا يوعدون ﴾:
- (١) سنين: جمع سالم للمذكر بالإلحاق - نكرة - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / ظرف أو مفعول فيه للزمان و منصوب بالياء
- (٢) جاء: ماضٍ - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف ( و كذلك مهموز اللام ) - متعدي - مبني للمعلوم / فعل و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو» و الجملة فعلية
- (٣) كانوا: معتل و أجوف (إعلاله بالقلب) - مبني على الضم / فعل من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، اسمه ضمير الواو و الجملة فعلية و صلة و عائدها ضمير الواو
- (٤) يوعدون: مضارع - مجرد ثلاثي - معتل و مثال - متعدي - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله ضمير الواو البارز، الجملة فعلية و خبر «كان» و الرابط ضمير الواو
- ١٣ - « فاعتبروا عباد الله؛ و اذكروا تيك التي أبؤكم و إخوانكم بها مرتهنون! »:
- (١) تيك: اسم إشارة للمثنى القريبة أو المتوسطة - معرفة - مبني على الفتح / مفعول به و منصوب محلاً لفعل «اذكروا»
- (٢) مرتهنون: جمع سالم للمذكر - مشتق و اسم مفعول (مصدره: ارتهان) - نكرة - معرب / مبتدأ مؤخر و مرفوع بالواو، و الجملة اسمية
- (٣) عباد: جمع تكسير (مفردة «عبد» مذكر) - معرف بالإضافة - معرب - منصرف / منادى مضاف و منصوب على أنه مفعول به لفعل محذوف وجوباً
- (٤) آباء: جمع تكسير (مفردة «أب» مذكر) - جامد - معرف بالإضافة - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية

۱۴- « إذا ما أنت من صاحب لك زلّة فكن أنت محتالاً لزلّته عذراً! »:

- (۱) أنت: ضمير منفصل مرفوع - للمخاطب - معرفة - مبني على الفتح / اسم لفعل «كان» و مرفوع محلاً
- (۲) محتالاً: مفرد مذكر - مشتق و اسم مفعول (مصدره: احتيال) - نكرة / خبر مفرد لفعل «كان» و منصوب
- (۳) أنت: ماضٍ - للغائبه - مجرد ثلاثي - معتل و ناقص (إعلاله بالقلب و الحذف) - لازم - مبني للمعلوم / فعل و فاعله «زلّة» و الجملة فعلية
- (۴) إذا: اسم غير متصرف من أدوات الشرط غير الجازمة ومن الأسماء الملازمة للإضافة - معرف / بالإضافة/ ظرف أو مفعول فيه للزمان، و «ما» حرف نافية

۱۵- « خليلي؛ ما أحرى بذئ اللب أن يرى صبوراً، و لكن لا سبيل إلى الصبر! »:

- (۱) يرى: مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - معتل و ناقص (إعلاله بالإسكان و القلب) / فعل و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو»
- (۲) ذي: من الأسماء الخمسة و الملازمة للإضافة - معرف بالإضافة - معرب - منقوص / مجرور تقديراً بحرف الجرّ؛ بذئ: جار و مجرور
- (۳) الصبر: مفرد مذكر - جامد (مصدر) - معرف بأل - معرب - صحيح الآخر - منصرف / إلى الصبر: جار و مجرور و متعلقهما شبه فعل «سبيل»
- (۴) سبيل: اسم - مفرد مذكر - نكرة / اسم مفرد لحرف «لا» النافية للجنس و مبني على علامة النصب و هنا الفتح ببناء عرضي و منصوب محلاً

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۶-۲۰)

۱۶- عین الصحيح في الجمع:

- (۱) قاضٍ ← قاضين
- (۲) مرتضى ← مرتضون
- (۳) حبلٍ ← حبلوات
- (۴) مصطفى ← مصطفىين

۱۷- عین الخطأ:

- (۱) تصدقتُ ابتغاء مرضاة الله!
- (۲) الطلاب نهضوا تكريم للأستاذ!
- (۳) تصدقت المؤمنة لابتغاء مرضاة الله!
- (۴) الطالبات نهضن تكريماً للأستاذ!

۱۸- عین الخطأ:

- (۱) تكاتب زميلي و أخواه!
- (۲) تكاتب أخي و زميليه!
- (۳) خرجتُ أختي و زميلتاها!
- (۴) خرجت زميلتاي و أخويهما!

۱۹- عین الخطأ: (في إنشاء التعجب)

- (۱) ألدّ بأثمار الجنة!
- (۲) ما أخوف نار جهنم!
- (۳) أسمع بهم و أوع!
- (۴) ما أحلى حياة الآخرة!



- ۲۰- عَيْنُ الْخَطَا لِلْفِرَاقِ: أجدت الخطيبات و لاسيما ... حديثه السن:
- (۱) الخطيبه (۲) خطيبه (۳) خطيبه (۴) الخطيبه
- ۲۱- در اين بيت سخن از چيست؟  
سر قلم قدرت بي چون الهی در روی تو چون روی در آينه پديد است  
(۱) صفا و پاک دلی (۲) رمز و رمزگشایی (۳) صورت و صورتگری (۴) زیبایی و زیبانگاری
- ۲۲- تکیه اين بيت بر چيست؟  
رفت آن که فقاغ از تو گشایند دگر بار ما را بس از اين کوزه که بیگانه مکیده است  
(۱) اغیار را از خود راندن (۲) سر سودای کس نداشتن  
(۳) لعل را خزف پنداشتن (۴) ناکس را کس انگاشتن
- ۲۳- تکیه اين بيت بر چيست؟  
بی سگه قبول تو ضرب عمل دغل بی خاتم رضای تو سعی امل هبا  
(۱) پرهیز از روی و ریا (۲) سره از ناسره بازشناختن  
(۳) کسب پذیرش و خشنودی حق (۴) سعی در مطابقت کردار و گفتار
- ۲۴- در اين بيت سخن از چيست؟  
در وجود تو شوم من منعدم چون محبم حب یعمی و یصم  
(۱) محو و نحو (۲) فنا و بقا (۳) نحر و بحر (۴) عشق و تسلیم
- ۲۵- کدام گزینه به مفهوم اين بيت نزدیک است؟  
صورت بی صورت بی حد غیب ز آينه دل دارد آن موسی به جیب  
(۱) اين ضیا ما ز آفتابی یافتیم (۲) آن صفای آينه لا شک دل است  
(۳) آينه و میزان کجا گوید خلاف (۴) خدا در دل سودا زدگان است بجوید
- ۲۶- کدام گزینه به مفهوم اين بيت نزدیک است؟  
منطق الطیر آن خاقانی صداست منطق الطیر سلیمانی کجاست  
(۱) گفت المعنی هو الله شیخ دین (۲) در گذر از نام بنگر در صفات  
(۳) رو به دریا کار بر ناید زجو (۴) آب کم جو تشنگی آور به دست
- ۲۷- مفهوم اين بيت بر کدام گزینه تکیه دارد؟  
مشک را بر تن مزین بر دل بمال مشک چه بود نام پاک ذوالجلال  
(۱) اطمینان دل داشتن (۲) براستی خدای را یاد کردن  
(۳) جان را به جانان سپردن (۴) شکوه خدایی را پیش چشم داشتن
- ۲۸- کدام گزینه از مفهوم اين بيت دریافت نمی شود؟  
قحط جود است آبروی خود نمی باید فروخت باده و گل از بهای خرقة می باید خرید  
(۱) هنجار شکنی کردن (۲) اسباب عیش فراهم کردن  
(۳) در احسان بر خویشتن بستن (۴) در حفظ اعتبار خویش کوشیدن
- ۲۹- تکیه اين بيت بر چيست؟  
من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم که گاه گاه بر او دست اهرمن باشد  
(۱) غیرت (۲) قناعت (۳) حشمت (۴) عظمت
- ۳۰- کدام مصرع به مفهوم اين بيت نزدیک است؟  
مه جلوه می نماید بر سبز خنگ گردون تا او به سر در آید بر رخس پابگردان  
(۱) کرشمه ای کن و بازار ساحری بشکن (۲) به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن  
(۳) کلاه گوشه به آیین سروری بشکن (۴) به ابروان دوتا قوس مشتری بشکن
- ۳۱- کدام گزینه از مفهوم اين بيت دریافت می شود؟  
چشم او را که مهر ما زاغ است روضه گاهی برون از اين باغ است  
(۱) دیده بر غیر دوست بستن (۲) چشم در چشم دوست دوختن  
(۳) چشم از تماشا سیر نگشتن (۴) دیده از پشت پای بر نگرفتن

- ۳۲- مفهوم این بیت گویای چیست؟  
 بر من آن شد که در سخن سنجی  
 (۱) عیار سخن را به نقد خرد سنجیدن  
 (۲) اندیشه را دلیل راه سخن ساختن  
 (۳) در سنجش سخن به اعتدال روی آوردن  
 (۴) تعهد در ارائه سخنی درست و تمام عیار
- ۳۳- کدام گزینه از مفهوم این بیت دریافت نمی‌شود؟  
 نسل اقسنقری مؤید ازو  
 آب وجد با کمال ابجد ازو  
 (۱) نیا را سرافراز داشتن  
 (۲) پشتوانه دودمان بودن  
 (۳) الفبای آشنایی را از بر بودن  
 (۴) سلسله نسب را اعتبار بخشیدن
- ۳۴- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟  
 (۱) افکندن صید کار شیر است  
 (۲) از خوردن من به کام و حلقی  
 (۳) این بی‌نمکان که نان خوراندند  
 (۴) حاسد ز قبول این روایی  
 (۱) روبه ز شکار شیر سیر است  
 (۲) آن به که زمن خورند خلقی  
 (۳) در سایه من جهان خوراندند  
 (۴) دور از من و تو به ژاژ خایی
- ۳۵- مفهوم این بیت آدمی را از چه باز می‌دارد؟  
 کس را به خود از ره گشوده  
 گستاخ مکن نیازموده  
 (۱) بی‌احتیاطی  
 (۲) تندخویی  
 (۳) خام طمعی  
 (۴) ستیزه جویی
- ۳۶- کدام بیت به باوری عامیانه اشاره دارد؟  
 (۱) مهره نگر گو مباش افعی مردم گزای  
 (۲) گر ره خدمت نجست بنده عجب نیست زانک  
 (۳) صاحب بدر و حنین از تو گشاید فقاع  
 (۴) شاید اگر در حرم سگ نهدد آبدست  
 نافه طلب گو مباش آهوی صحرانشین  
 گرگ گزیده نخواست چشمه ماء معین  
 کان گهر چون سداب بر کشتی از بهر کین  
 زیبداگر در ارم بز نبود میوه چین
- ۳۷- در کدام بیت تلمیح نیست؟  
 (۱) خاصه سیمرغ کیست جز پدر روستم  
 (۲) عدل تو شین را ز را کرد جدا چون بدید  
 (۳) چرخ به هر سان که هست زاده شمشیر توست  
 (۴) منتظران تو اند مانده ترنجی به کف  
 قاتل ضحاک کیست جز پسر آبتین  
 کالت رای است را صورت شین است شین  
 گریه به هر حال هست عطسه شیر عرین  
 رخس برون تاز هان پرده بر اندازهین
- ۳۸- مفهوم این بیت بر کدام گزینه تکیه دارد؟  
 یعقوب هم به دیده معنی بود ضریر  
 (۱) عشق کور و کر می‌کند  
 (۲) بصیرت به از بینایی است  
 (۳) هرکاری را قاعده‌ای باید  
 (۴) دوستی بی‌علت شاید دشمنی بی‌سبب نه
- ۳۹- کدام گزینه از مفهوم این بیت دریافت می‌شود؟  
 مرا بین که آیات ابیات مدحش  
 (۱) جان در پناه ایمان است.  
 (۲) جان تعویذ جان حرز ایمان نماید  
 (۳) ایمان از جان ارزشمندتر است  
 (۴) جان نشأت گرفته از ایمان است
- ۴۰- کدام بیت برگرفته از قرآن است؟  
 (۱) آتش تیغ او گه پیکار  
 (۲) اسد از سهم ناخن ریزد  
 (۳) آسمان در نثار ساغر او  
 (۴) منم آن مرغ کاذر افروزد  
 شرر قصر پیکر اندازد  
 عقرب از بیم نشتر اندازد  
 سبحة سعد اکبر اندازد  
 خویشان را در آذر اندازد
- ۴۱- مفهوم این بیت کدام گزینه را نکوهش می‌کند؟  
 ماه تابان کوری پروانگان را بین که جان  
 (۱) نابکاران را  
 (۲) خیره سران را  
 (۳) خرده بینان را  
 (۴) دون هم‌تان را  
 بر نتیجه سنگ و موم و ریسمان افشاندانند

- ۴۲- شاعر مفهوم کدام بیت را مایه تسکین می‌داند؟  
 (۱) خلعتی کان ز تار و پود و فاست در زیان قدر ندوخته‌اند  
 (۲) ابیره ما زخام و خامان را جز نسیج آستر ندوخته‌اند  
 (۳) بر تن ناقصان قبای کمال به طراز هنر ندوخته‌اند  
 (۴) جوشن عقل داده‌اند ترا صدره کام اگر ندوخته‌اند
- ۴۳- کدام گزینه از مفهوم این بیت دریافت نمی‌شود؟  
 آسمان نیز مریدی است چو من ز آن گه صبح  
 (۱) کبود پوشی (۲) تمزیق خرقة  
 چاک این ازرق خلکان به خراسان یابم  
 (۳) بر آمدن خورشید (۴) نسیم خوش بامدادی
- ۴۴- مفهوم این بیت بر کدام گزینه تکیه دارد؟  
 جاهش ز دهر چون مه عید از صف نجوم  
 (۱) دانشمندی و سرشناسی  
 (۲) والا مقامی و ارجمندی  
 (۳) دانایی و نیک اعتقادی  
 (۴) پارسایی و شب زنده‌داری
- ۴۵- کدام گزینه از مفهوم این بیت دریافت نمی‌شود؟  
 نز سموم آسیب و نز باران بخیلی یافته  
 (۱) جنگ آوری (۲) راهزنی  
 نز خفاجه بیم و نزعیه عصیان دیده‌اند  
 (۳) خشک سالی (۴) زهرآگینی
- ۴۶- کدام گزینه از مفهوم این عبارت دریافت نمی‌شود؟  
 ابوالقاسم کثیر را دید در صفه با وی مناظره مالی می‌رفت و مستخرج و عقابین آورده و جلاد آمده  
 (۱) کسی را به فساد متهم کردن  
 (۲) از کسی چیزی طلب کردن  
 (۳) کسی را سخت به هراس افکندن  
 (۴) در اندیشه انتقام از کسی بودن
- ۴۷- کدام گزینه می‌تواند جانشین نقطه چین شود؟  
 اگر آدمی یک لحظه از قبضه توکل بیرون آید و اندیشه ..... را به خویشتن راه دهد چیزی بیند به هیچ  
 خاطری ناگذشته
- ۴۸- کدام گزینه از مفهوم این عبارت دریافت می‌شود؟  
 (۱) کبر و بطر (۲) صبر و ظفر (۳) خوف و خطر (۴) قضا و قدر  
 چون ما که قطبیم در صدر ملکیم و بر اقبال و جمله اولیا به سلامت‌اند خلل را زود توان دریافت  
 (۱) تانفس هست جان نیز هست (۲) تا ریشه در آب است امید ثمری هست  
 (۳) تا بنلاد بر جاست دیوار به پاست (۴) تا پریشان نشود کار به سامان نشود
- ۴۹- بوصادق در علم آیتی بود بسیار فضل بیرون از علم شرع حاصل کرده ..... یعنی بوصادق مردی بود.....  
 (۱) عالم - عامل (۲) فاضل - متشرع (۳) عالم - فاضل (۴) فاضل - صادق
- ۵۰- یداک اوکنا وفوک نفخ با کدام گزینه متناسب است؟  
 (۱) خودکرده را تدبیر نیست (۲) خود می‌گوید و خود می‌خندد  
 (۳) خود پند ناشنیده چه پند دهد (۴) خود می‌زند و خود فریاد می‌کند
- ۵۱- کدام گزینه از مفهوم این عبارت دریافت می‌شود؟  
 اکنون بر تو آنست که عزیمت ابطال او را فسخ کنی و در استکشاف حال او لوازم احتیاط و استقصا به جای آری  
 (۱) از کشتن در گذشتن و جوانب امر را سنجیدن  
 (۲) دریافت حقیقت را بر استبداد رای ترجیح دادن  
 (۳) از اراده ناصواب در گذشتن و از هوس دوری جستن  
 (۴) پرده از کار کس بر گرفتن و واقعیت را وانمودن
- ۵۲- کدام گزینه با مفهوم این مصراع متناسب است؟  
 عدیل فاخته باشد گل و عدو جعل  
 (۱) بودانا الحق در لب منصور نور  
 (۲) ای برادر تو همان اندیشه‌ای  
 (۳) حسن یوسف دیده اخوان ندید  
 (۴) گرگ را خود خاصیت بدریدن است  
 بود انا الله در لب فرعون زور  
 مابقی تو استخوان و ریشه‌ای  
 از دل یعقوب کی شد ناپدید  
 این حسد در خلق آخر روشن است



- ۵۳- مفهوم این عبارت کدام مورد را نکوهش می‌کند؟  
علم اصحاب ضلالت از ادراک مصالح بر اطلاق قاصر است و حجاب جهل احراز سعادت را مانعی ظاهر  
(۱) موانع مادی (۲) حجاب رینی (۳) قصور و تقصیر (۴) گمراهی و نادانی
- ۵۴- مفهوم این عبارت در کدام گزینه هست؟  
من چنان که جنگ را منکرّم تذلل و قبول جزیت و تحمّل عار را هم کارهم  
(۱) النار و لالعار (۲) العار و لا النار (۳) الّسیف و لا الحیف (۴) لالسیف و لالعار
- ۵۵- کدام مورد از مفهوم این عبارت دریافت نمی‌شود؟  
مشاورت بر انداختن رایهاست و رای راست به تکرار نظر و تحصین سر حاصل آید  
(۱) راز پوشیدن (۲) مطرح کردن (۳) در پناه مکر خریدن (۴) بارها نگرستن
- ۵۶- توصیه این بیت چیست؟  
تمتّع من شمیم عرار نجدٍ فما بعد العشیة من عرارٍ  
(۱) هر قدر ای دل که توانی بکوش (۲) وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی  
(۳) برو به هر چه توداری بخور دریغ مخور (۴) برخیز و گل افشان کن از درد چه می‌جویی
- ۵۷- کدام مطلب از مفهوم این عبارت دریافت می‌شود؟  
هر روز پیش از آن که درست مغربی از جیب افق مشرق در دامن فوطه آسمان گون گردون افتد یک درست  
زر به تو نمایم که برداری  
(۱) محقق شدن آرزویی شیرین (۲) دریافت وعده‌ای فرح بخش  
(۳) طلوع آفتاب را غنیمت شمردن (۴) به مزده دیدار از خواب برخاستن
- ۵۸- کدام گزینه می‌تواند جانشین نقطه چینها شود؟  
عمل خانه امل چون ..... بنیاد بر باد و آب دارد.  
(۱) قبه حباب و سده سحاب (۲) دام هوس و بانگ جرس  
(۳) سیل جارف و اسباب زخارف (۴) سرای امانی و نوای اغانی
- ۵۹- کدام گزینه از مفهوم این عبارت دریافت نمی‌شود؟  
از رعیت به تیغ ستن و به تازیانه بخشیدن و از آن ترک کلاه و طرف کمر آراستن موجب دو نکال است:  
سفالت سائلی و عهده مسوولیت  
(۱) احسان نابجا کردن (۲) تن به فرومایگی دادن  
(۳) شانه از زیر بار خالی کردن (۴) زخارف دنیوی فراهم آوردن
- ۶۰- در این عبارت به کدام گزینه اشاره نشده است؟  
هرگاه که می‌خواره از قذف و دست جنگی و تقدیم ملهیات و رنج خمار و خجالت از آن و شناخت بر آن یاد  
دارد، قدم باز پس نهد  
(۱) قی کردن (۲) عربده کشیدن  
(۳) رسوا شدن (۴) پنجه در پنجه افکندن
- ۶۱- کدام گزینه متناسب با مفهوم این عبارت است؟  
کفایت مهمات و تمشیت اشغال بی‌یار نهمتی متعذر است.  
(۱) یار چشم توست ای مرد شکار (۲) خلوت از اغیار باید نی ز یار  
(۳) یادیاران یار را میمون بود (۴) ما ز یاران چشم یاری داشتیم
- ۶۲- در این عبارت سخن از چیست؟  
اطفال شیرخواره را پستان منیت در دهان حیات نهادند و دایه از ابن دایه ترتیب دادند.  
(۱) مبارزه (۲) پرورش (۳) آرزومندی (۴) هلاکت
- ۶۳- در این عبارت سخن از چیست؟  
ایلچیان نزدیک سلطان فرستاد مذکر به غدری که بی‌موجبی صادر گردانیده بود معلم از اندیشه حرکت به  
جانب او تا استعداد حرب کند.  
(۱) از لشکریان بازدید کردن (۲) فرمان حرکت به سوی دشمن  
(۳) اعلام جنگ به پیمان شکن (۴) طلب عذرخواهی از پیمان شکن

- ۶۴- کدام گزینه با مفهوم «زخم رماح لثم ملاح شناختن» متناسب نیست؟  
 (۱) مصالحت را مصلحت کار ندانستن  
 (۲) از غوانی و آغانی به حرب نپرداختن  
 (۳) روز مصاف را شب زفاف پنداشتن  
 (۴) حدود بیض را بر حدود بیض رجحان نهادن
- ۶۵- کدام گزینه از مفهوم این جمله دریافت نمی‌شود؟  
 فجّار و ابرار اترار را از پوشندگان خمار و متقلنسان به کلاه و دستار از شهر بیرون راندند.  
 (۱) بر هیچ کس ایقا نکردن  
 (۲) بر دوست و دشمن به یک چشم نگریستن  
 (۳) خوبان و بدان را به صحرا درآوردن  
 (۴) مردان و زنان را از هم جدا ناکردن
- ۶۶- در این عبارت به کدام گزینه اشاره نشده است؟  
 فی‌الجمله از رزم خوارزم فارغ شدند و از سبی و نهب و فتک و سفک پیرداختند.  
 (۱) غارت کردن  
 (۲) ناگهان کشتن  
 (۳) به اسیری بردن  
 (۴) به خونخواهی برخاستن
- ۶۷- کدام گزینه نمی‌تواند جانشین نقطه چین شود؟  
 هرکاری را غایتی است و هر مبادئی را نهایی که تراخی و تأخیر در توهم نگنجد، .....  
 (۱) لامرد لقضاء الله  
 (۲) جفّ القلم بما هو کائن  
 (۳) فاقض ما انت قاضی  
 (۴) و لن تجد لسنة الله تبديلا
- ۶۸- در این عبارت به کدام گزینه اشاره نشده است؟  
 موارد راحت به جراحات ضمیر مکدر بود و چهره موزد آمال به خدشات احوال احداث مغیر  
 (۱) درون خونین  
 (۲) چنگ نومیدی  
 (۳) رخسار گلگون  
 (۴) آبشخور آسودگی
- ۶۹- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟  
 (۱) به نیزه با سماک آویختن  
 (۲) از درق تیر هدف تیر ساختن  
 (۳) بهرام را وقت اصطیاد گور پنداشتن  
 (۴) در مقام مرامات زه از کمان بر گرفتن
- ۷۰- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متناسب نیست؟  
 (۱) سبایای شرکت در نخاس به ثمن بخش فروختن  
 (۲) خلقی از یتامی با پدر خروشان بودن  
 (۳) شهری از ایامی با شوهر جوشان بودن  
 (۴) فرزند از پدر و مادر استرقاق فرمودن
- ۷۱- در کدام بیت تشخیص به کار نرفته است؟  
 (۱) چشم من در نثار بالایت هم به بالات گوهر اندازد  
 (۲) طالعم از برت برون انداخت گر ز عشقت کله براندازد  
 (۳) خنجر او چو حربه مهدی است که به دجال اعور اندازد  
 (۴) دل به سودات سر در اندازد سر ز عشقت کله براندازد
- ۷۲- در این بیت چه نوع تشبیهی هست؟  
 صاحب دلّ و عصا چون خضر و چون کلیم  
 (۱) ملفوف  
 (۲) مرکب  
 (۳) صریح  
 (۴) مقرون
- ۷۳- نام بحر این بیت چیست؟  
 راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد  
 (۱) وافر  
 (۲) قریب  
 (۳) مضارع  
 (۴) مقتضب
- ۷۴- نام بحر این بیت چیست؟  
 خزان چو آید و در بوستان مقرر گیرد  
 (۱) کامل  
 (۲) مجتث  
 (۳) منسرح  
 (۴) مضارع
- ۷۵- کدام بحر متفق الأركان است؟  
 (۱) خفیف  
 (۲) منسرح  
 (۳) مضارع  
 (۴) هزج
- ۷۶- زحاف کاهشی از مستفعلن چیست؟  
 (۱) مفاعیل  
 (۲) فاعلات  
 (۳) متفاعلن  
 (۴) مفاعلن

- ۷۷- کدام یک از معنی‌های امر در این بیت هست؟  
 ای رفیق آنچ از بلای عشق بر من می‌رود  
 (۱) تمنی (۲) تخییر (۳) تهدید (۴) تعجیز  
 گر به ترک من نمی‌گویی به ترک من بگویی
- ۷۸- از دیدگاه علم معانی در این بیت کدام مورد صورت گرفته است؟  
 به زبان کواکب و انجم هیچ لفظی نباید الاّ هم  
 (۱) حصر (۲) وصل (۳) تقدم مسندالیه (۴) حذف مسندالیه
- ۷۹- در این بیت، کدام ملاحظه علم معانی هست؟  
 بس که شنیدی صفت روم و چین  
 (۱) اطناب (۲) ایجاز (۳) اختصاص (۴) فصل  
 خیز و بیا ملک سنایی بین
- ۸۰- در کدام بیت جناس به کار نرفته است؟  
 (۱) آخر چه معنی آرم از آن آفتاب روی  
 (۲) عیسی لب است یار و دم از من دریغ داشت  
 (۳) من چون کبوتران به وفا طوق دار او  
 (۴) من ز آب دیده نامه نوشتم هزار فصل  
 کو بوی خود به صبحدم از من دریغ داشت  
 بیمار او شدم قدم از من دریغ داشت  
 در کعبه من و حرم از من دریغ داشت  
 او ز آب دوده یک رقم از من دریغ داشت
- ۸۱- کدام صنعت بدیعی در این بیت نیست؟  
 ضرغام زهره گوهرش بهرام دهره لشکرش  
 (۱) طباق (۲) تلمیح (۳) تناسب (۴) جناس  
 بینام بهره ز اخترش فتحی که توران بینمش
- ۸۲- کدام صنعت بدیعی در این بیت به کار رفته است؟  
 غم خویش در زندگی خور که خویش  
 (۱) طرد و عکس (۲) ردالعجز علی الصدر (۳) شبه اشتقاق (۴) ردالصدر علی العجز  
 به مرده نپردازد از حرص خویش
- ۸۳- در قافیه این بیت کدام حرف به کار رفته است؟  
 نماز شام نزدیک است و امشب مه و خورشید را بینم مقابل  
 (۱) قید (۲) ردف (۳) وصل (۴) تأسیس
- ۸۴- از عیب‌های قافیه کدامین در این بیت هست؟  
 گر من سخن درشت نگویم تو نشنوی  
 (۱) سناد (۲) اکفاء (۳) اقواء (۴) ایطاء  
 بی‌جهد از آینه نبرد زنگ صیقلی
- ۸۵- در بیت زیر حرکت (ب) را در قافیه «بر» چه می‌نامند؟  
 به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر  
 (۱) حذو (۲) رسّ (۳) اشباع (۴) توجیه  
 نامه اهل خراسان به برخاقان بر
- ۸۶- کدام کتاب درباره خاقانی است؟  
 (۱) در کوی دوست (۲) درخت معرفت (۳) گمشده لب دریا (۴) دیدار با کعبه جان
- ۸۷- کدام کتاب فرهنگ عربی به عربی است؟  
 (۱) المرقاة (۲) اقرب الموارد (۳) منتهی الارب (۴) السامی فی الاسامی
- ۸۸- کدام پژوهشگر به حوزه تصحیح متن وارد نشده است؟  
 (۱) عبدالحسین زرین کوب (۲) ملک الشعرا بهار (۳) پرویز ناتل خانلری (۴) عباس اقبال آشتیانی
- ۸۹- در مصراع زیر کدام توضیح درباره «م» درست است؟  
 دل ز افتعال اهل زمانه ملا شدم  
 (۱) متمم (۲) مضاف‌الیه (۳) مفعول (۴) شناسه فعل
- ۹۰- در بیت زیر از نظر دستوری در کدام کلمه تنازع هست؟  
 غریبی گرت ماست پیش آورد  
 (۱) ماست (۲) دوغ (۳) غریب (۴) پیمان  
 دو پیمان آب است و یک چمچه دوغ
- ۹۱- در مصرع زیر واژه تن چه نقشی دارد؟  
 «دل مغز حقیقت است تن پوست بین»  
 (۱) مسند (۲) تمیز (۳) مسندالیه (۴) مفعول

- ۹۲- طبق قواعد زبان فارسی، کدام واژه درست است؟  
 (۱) رنود (۲) تحرمز (۳) نزاکت (۴) ناخدا ترس
- ۹۳- کدام کتاب از نظر محتوا به مرصادالعباد بسیار نزدیک است؟  
 (۱) حیاة القلوب (۲) قوت القلوب (۳) منارات السائرين (۴) منازل السائرين
- ۹۴- کدام توضیح دربارهٔ معارف بهاء ولد درست نیست؟  
 (۱) سادگی زبان (۲) تعلیمی بودن (۳) مسجع نبودن (۴) پراکندگی مطالب
- ۹۵- کدام عارف، تعلیمات خود را به شیوهٔ نامه‌نگاری عرضه کرده است؟  
 (۱) محمد غزالی (۲) ابوسعید ابی‌الخیر (۳) شیخ ابواسحاق کازرونی (۴) قطب‌الدین بن محیی
- ۹۶- به فرمان کدام امیر، مقدمه‌ای بر شاهنامهٔ فردوسی نوشته شده است؟  
 (۱) بایسنقر (۲) میرانشاه (۳) امیربهادر (۴) شاهرخ میرزا
- ۹۷- کدام کتاب جنگ شعر فارسی است؟  
 (۱) نزهة القلوب (۲) مونس الاحرار (۳) مونس العشاق (۴) نزهة الارواح
- ۹۸- کدام شاعر غزل سیاسی سروده است؟  
 (۱) فرخی یزدی (۲) رهی معیری (۳) امیری فیروزکوهی (۴) پژمان بختیاری
- ۹۹- در کدام متن به شعر فردوسی فراوان استشهد شده است؟  
 (۱) سندبادنامهٔ ظهیری (۲) ترجمهٔ تاریخ یمنی (۳) جهانگشای جوینی (۴) مرزبان‌نامهٔ وراوینی
- ۱۰۰- کدام جمله به شیوهٔ نویسندگی سعدی در گلستان نزدیک‌تر است؟  
 (۱) یکی از ملوک عجم را حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود.  
 (۲) یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود.  
 (۳) یکی از ملوک عجم را حکایت شده است که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود.  
 (۴) یکی را از ملوک عجم حکایت شده است که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود.